

الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (مطالعه موردی: دهمین و یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری استان خراسان جنوبی)

اسماعیل علمدار* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
عمران راستی - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند
سیدعباس احمدی - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۱۱ تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

چکیده

مشارکت ملی افراد جامعه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و...، اساس مشروعیت نظام‌های سیاسی است. در این میان، نهاد انتخابات، مهم‌ترین ابزار تحقق مشارکت سیاسی برای شکل‌گیری مردم‌سالاری در حکومت‌های ملی است. انتخابات، یکی از مسائل مطرح در جغرافیای سیاسی است که با عنوان جغرافیای انتخابات بررسی می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور بیش از پیش فراهم شد. انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور ما، با توجه به نقش دولت در زندگی مردم، جزء مهم‌ترین انتخابات‌ها به‌شمار می‌آید. در این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، میزان مشارکت استان خراسان جنوبی در مقایسه با کل کشور، طی یازده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بررسی می‌شود و سپس به تحلیل فضایی انتخابات دوره‌های دهم و یازدهم، به تفکیک آرای کاندیداها، در سطح شهرستان‌ها پرداخته می‌شود. این پژوهش به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که روند مشارکت در این استان طی دوره‌های انتخاباتی (به‌ویژه از سال ۱۳۸۳ پس از تقسیم خراسان بزرگ به سه استان) با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آن در نوار مرزی شرق کشور، چگونه بوده است. مطابق نتایج، علی‌رغم اینکه خراسان جنوبی یک استان مرز نشین است، روند مشارکت بالایی را در دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری داشته است؛ به‌گونه‌ای که در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، با ۹۳ درصد شرکت در انتخابات، بیشترین مشارکت را در سطح کشور به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: استان خراسان جنوبی، الگوی فضایی مشارکت، بررسی تطبیقی، جغرافیای انتخابات، دهمین و یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری.

مقدمه

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و وجود رقابت سیاسی، یکی از وجوه دموکراسی و مشروعیت نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. این مقوله در جوامع درحال گذار، اهمیت دوچندان دارد. انتخابات و مبارزات انتخاباتی، یکی از شاخص‌های مهم نظام مردم‌سالار است که در بطن آن، دو عنصر تداوم و تغییر پرورش می‌یابد. تغییر در اجزاء، اعضا، شاخ‌وبرگ‌ها، مسئولان و مقامات، درمقابل تداوم، ثبات، ماندگاری ساختارها، ماهیت و سرشت نظام سیاسی است (مقصودی، ۱۳۸۵: ۸۴). مهم‌ترین عملکرد مشارکت، رأی‌دهی، فرصت‌دادن برای جانشینی و انفعال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است (داوس و هیوز، ۱۹۷۴: ۲۸۴).

حضور مردم در انتخابات سراسری برای برگزیدن یک یا چند فرد و سپردن سرنوشت کشور به آنان برای مدتی معین، بیانگر حساسیت آنان به آینده خویش است. هر اندازه این حساسیت بیشتر و نتیجه مشارکت‌های قبلی ملموس‌تر باشد، حضور آن‌ها در دوره بعدی انتخابات افزایش می‌یابد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۰: ۱۶۱). جغرافیای انتخابات، به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازماندهی آن‌ها و به‌ویژه نتایج می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اقتصادی و... را در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی بررسی می‌کند. انتخابات در پهنه جغرافیایی، از پارامترهای مختلفی تأثیر می‌پذیرد که به‌نوبه خود، بر میزان مشارکت سیاسی مردم و رفتار رأی آن‌ها تأثیرگذار است (رضایی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۴).

در دهه‌های گذشته، ملاحظات مکانی به‌صورت یک موضوع انحرافی از روندهای ملی مطرح می‌شدند، اما اکنون باید در هر تحلیل از نتایج انتخاباتی، سطوح پایین‌تر از سطح ملی نیز در نظر گرفته شوند (تیموری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷۶)؛ بنابراین، چالش پیش‌رو در ادبیات مشارکت انتخاباتی، شناسایی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی- جمعیتی و هنجارها یا نهادهایی است که ممکن است به شکل متفاوتی میان مناطق آشکار شوند و قادرند دلایلی برای توضیح الگوی فضایی مشارکت ارائه دهند (کلم و کرامر، ۱۹۹۸: ۱۰).

ایران از حدود یکصد سال پیش با پیروزی نهضت مشروطه، گسترش مشارکت سیاسی در نظام‌های اجرایی و نهادهای مربوط به آن را تجربه کرده است و در تاریخ یکصدساله قانون‌گذاری دموکراتیک خود شاهد چندین انتخابات با درجه بالایی از مشارکت مردم بوده است. این رویداد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به رویکرد ایدئولوژیکی نظام و ویژگی‌های اقوام مختلف در فضای جغرافیایی کشور، با مشارکت بیشتری از مردم انجام شد. با توجه به اینکه طی ۳۷ سال از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران، ۳۳ انتخابات اعم از فراندوم قانون اساسی، خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا برگزار شده است، ایران به‌عنوان یکی از دموکراتیک‌ترین رژیم‌های سیاسی در سیستم جهانی شناخته می‌شود. در این راستا، استان خراسان جنوبی از بدو انقلاب مشارکت بالایی در انتخابات داشته است. اگرچه این میزان تا قبل از تفکیک سه استان چندان محسوس نبود، این حضور گسترده پس از سال ۱۳۸۳ (تقسیم خراسان بزرگ به سه استان) به شکل خاصی بروز یافت.

این پژوهش، با هدف تحلیل پراکنش فضایی آرای مردم استان خراسان جنوبی در دوره‌های دهم و یازدهم ریاست‌جمهوری صورت گرفته است. بدین‌منظور، ابتدا به بررسی تطبیقی میزان مشارکت در یازده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری استان خراسان بزرگ در مقایسه با کل کشور و سپس به واکاوی الگوی فضایی مشارکت در دوره‌های دهم و یازدهم انتخابات ریاست‌جمهوری در این استان، به تفکیک شهرستان و میزان آرای کاندیدهای انتخاباتی پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

مشارکت سیاسی

یکی از راه‌های تأثیرگذاری بر امور کشور، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی را می‌توان با دموکراسی همسو و آن را در امکان و گستره به‌کارگیری کنش‌های سیاسی جست‌وجو کرد (غفاری و کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۹). مشارکت سیاسی، به‌طور معمول به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی اطلاق می‌شود که از لحاظ قانونی استحقاق آن را دارند (رابرتسون، ۱۹۹۳: ۳۴۰).

مشارکت سیاسی، شامل فعالیت‌های اختیاری صورت‌گرفته توسط توده مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است. این تأثیر ممکن است مستقیم یا به انتخاب شخصی باشد که سیاست‌گذاری می‌کند. فعالیت‌هایی شامل رأی‌دادن در انتخابات، کمک‌کردن به یک رقابت سیاسی، کمک مالی به یک کاندیدا، تماس با مقامات، اعتراضات و... از این جمله‌اند (اوهلانر، ۲۰۰۴: ۱۴۶).

عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی

به اعتقاد اولسون، عوامل بسیاری بر مشارکت سیاسی متعارف تأثیرگذارند، از جمله:

۱. بی‌علاقگی یا بی‌اعتمادی سیاسی: علاقه‌نداشتن به امور سیاسی؛
۲. تأثیرگذاری سیاسی: اثرگذاری سیاسی، اعتقاد به ایجاد تغییر در حوزه سیاسی است. مردم، زمانی بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند که آرای خود را در نتیجه انتخابات، با ارزش و مؤثر ارزیابی کنند.
۳. گسترش منابع سیاسی: توانایی افراد یا گروه‌هایی که می‌توانند در فرایندهای سیاسی مؤثر باشند. این منابع شامل پول، زمان، مهارت ارتباطی و تماس‌های شخص می‌شوند.
۴. جامعه‌پذیری سیاسی: بعضی از افراد، در شرایطی اجتماعی شده‌اند که به مشارکت در امور سیاسی گرایش بیشتری دارند.
۵. وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی با پوشش حمایتی از کاندیداها، شهروندان را به مشارکت ترغیب می‌کنند (اولسون، ۲۰۰۵: ۳).

علی‌رغم اهمیت ویژه مشارکت رأی‌دهندگان برای دولت‌های دموکراتیک، هنوز این موضوع تا حدی به شکل یک معما باقی مانده است. درحالی‌که به‌نظر می‌رسد در بسیاری از کشورها، موقعیت اجتماعی به‌طور مثبت به مشارکت وابسته است. هنگامی که از دید مقایسه‌ای به موضوع پرداخته می‌شود، اهمیت کلی آن همچنان مبهم است (تیموری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷۴)؛ برای مثال، مشارکت در کاستاریکا (کشوری با تولید ناخالص داخلی سرانه در حدود ۲۰۰۰ دلار در دهه ۱۹۹۰) بسیار بالاتر از سوئیس یا آمریکا (وال و لهوک، ۱۹۹۷: ۱۳۷). نظریه‌های انتخاب عقلانی نیز به‌طور کامل در حل پارادوکس مشارکت موفق نبوده‌اند؛ اینکه چرا افراد باید خود را به‌زحمت بیندازند که رأی دهند، در صورتی که توانایی آن‌ها در تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات ناچیز است (گرین و شاپیرو، ۱۹۹۴: ۴۶).

الگوهای رفتار انتخابات

دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به رفتار انتخاباتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نظریه‌های دسته اول در جست‌وجوی آن‌اند که آیا مردم رأی می‌دهند و در انتخابات مشارکت می‌کنند. نظریه‌های دسته دوم به این مسئله می‌پردازند که شرکت‌کنندگان در انتخابات، به کدام فرد یا گروه سیاسی رأی می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۴۸). به اعتقاد ویسر، پس از پنج دهه پژوهش درباره رفتار رأی‌دهی، هنوز چارچوب نظری استواری برای مطالعه این نوع مشارکت سیاسی وجود ندارد.

اما می‌توان به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری اشاره کرد که هر یک، جانی از رفتار انتخاباتی مردم را تبیین می‌کنند (مظفری، ۱۳۸۷: ۵).

۱. دیدگاه انتخاب عاقلانه: مردم کسانی را انتخاب می‌کنند که بیشترین منفعت را برای آنان ایجاد کنند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۷: ۴۸).

۲. دیدگاه توجیه‌های ایدئولوژیک: هنگامی که مردم نتوانند منافع خود، دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی یا هردو را تشخیص دهند و در تطبیق آن‌ها مشکل داشته باشند، از توجیه‌های ایدئولوژیک برای رفتار خود استفاده می‌کنند (پیشگاهی فرد و شوستری، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۳. دیدگاه لازارسفلد: رأی‌دهی، کنشی شبیه به تصمیم به خریدن کالا است. انگیزه‌هایی در فرد وجود دارد که متأثر از تبلیغات کاندیداها تغییر می‌کند و وی براساس آن‌ها ابعاد مختلف جهان را تعریف می‌کند و در نهایت، براساس ترکیب انگیزه‌هایش رأی می‌دهد (لازارسفلد و برنارد، ۱۳۸۲: ۴۸).

جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات^۱، یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۱۷). مرز این محدوده‌ها، بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت تأثیر قطعی دارد. محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی، در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد (هورن، ۱۹۹۹: ۹۳۹). در این میان، جغرافیای مشارکت و رفتارهای انتخاباتی، از مهم‌ترین مباحث جغرافیای انتخابات محسوب می‌شوند. با بررسی علمی این دو شاخه جغرافیای انتخابات می‌توان بسترهای لازم را برای تحول در روند مشارکت در مناطق مختلف جغرافیایی فراهم ساخت (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۳).

پیشینه پژوهش

در زمینه این پژوهش، تاکنون مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است، اما کمتر پژوهشی به‌طور خاص، به مقایسه میزان مشارکت مردم یک استان در انتخابات ریاست‌جمهوری با کل کشور طی یازده دوره انتخاباتی پرداخته است. در ضمن، در استان خراسان جنوبی، تاکنون پژوهشی در مورد انتخابات صورت نگرفته است. در ادامه، به‌اختصار به بعضی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

زارعی و انصاری (۱۳۹۳) در «بررسی تطبیقی میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری تهران در مقایسه با کل کشور به بررسی مشارکت مردم تهران و شهرستان‌های تابع آن در مقایسه با سایر استان‌های کشور به‌ویژه در یازدهمین دوره این انتخابات پرداخته‌اند. مطابق نتایج، میزان مشارکت در استان‌های ایران بسیار متفاوت است و استان‌هایی که توسعه‌یافته‌ترند و در قسمت‌های مرکزی کشور قرار دارند، در مقایسه با استان‌های نواحی مرزی، مشارکت بیشتری دارند. در ضمن، میزان مشارکت مردم در انتخابات یازدهم در مقایسه با دوره دهم ۱۲/۲ درصد در کشور و در تهران ۳۰ درصد کاهش رأی را نشان می‌دهد. به‌نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و به‌ویژه تورم و کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت، در ایجاد نارضایتی اجتماعی و نبود حمایت و مشارکت سیاسی مردم در انتخابات بی‌تأثیر نبوده است.

غفاری و زرین کاویانی (۱۳۹۰) در «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست‌جمهوری

۱۳۷۶-۱۳۸۴» نشان دادند که عوامل اقتصادی، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تغییر فضای سیاسی کشور و همچنین تحولات سیاسی در کردستان عراق، بر کاهش مشارکت مردم استان کردستان تأثیرگذار بوده‌اند. در این تحقیق، مهم‌ترین عامل داخلی، امید به تغییر فضای سیاسی کشور در دوره زمانی مورد مطالعه است و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار خارجی نیز تحولات صورت گرفته در مناطق کردنشین عراق و دستاوردهای مهم آنان در عراق است.

گلی و مهکویی (۱۳۹۳) در مطالعه «الگوی فضایی مشارکت در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری» به بررسی چگونگی حضور مردم از دیدگاه فضایی- سیاسی در سطح کشور می‌پردازند. براساس نتایج، الگوی مشارکت در کشور یکسان نیست و استان‌های توسعه‌یافته‌تر مشارکت کمتری دارند و در استان‌های محروم، مشارکت بیشتر است. الگوی فضایی آرا، بیانگر تمرکز شدید آرای کاندیدای منتخب در نواحی شمال غرب، جنوب شرق و جنوب کشور است و همچنین آرای آقایان محسن رضایی در غرب و جنوب غرب کشور و محمدباقر قالیباف در خراسان رضوی، به‌طور کامل منطبق بر جستار زادشهری است.

استرومف و فلیپ^۱ (۱۹۹۹)، آیزنبرگ و کچام^۲ (۲۰۰۴) و هالبروک^۳ (۱۹۹۱)، اهمیت شرایط اقتصادی در سطح ایالت و همچنین نیز جایگاه متغیرهای اقتصادی ملی را در انتخابات ریاست جمهوری بررسی کردند. اگرچه بعضی از متغیرهای ایالتی، از نظر آماری تأثیر معناداری در تعیین آرای ریاست جمهوری داشته‌اند، به‌شدت توسط متغیرهای ملی مغلوب شده‌اند. از دیدگاه رأی‌دهندگان، رئیس‌جمهور بر اقتصاد سطح ملی تأثیرگذار است؛ درحالی‌که تفاوت‌ها در عملکرد اقتصادی در سطح ایالت، تا حد زیادی مستقل از شرایط اقتصاد کلانی است.

کلم و کرامر^۴ (۱۹۹۸) با بررسی الگوهای منطقه‌ای میزان مشارکت در انتخابات روسیه استدلال می‌کنند که تفاوت‌های منطقه‌ای در مشارکت، با عوامل نهادی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط است. سن، شغل، تحصیلات و سطوح مختلف شهرنشینی نیز با درجه مشارکت در انتخابات ارتباط دارند. وضعیت اقتصادی در مناطق، اثر کمتری بر مشارکت دارد؛ هرچند تغییرات دستمزدها به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده مشارکت در سراسر کشور اهمیت دارد.

چو و رودولف^۵ (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی از لحاظ جغرافیایی خوشه‌ای است. به‌عبارت دیگر، رفتار مشارکتی شهروندان، به‌شدت از رفتار مشارکتی کسانی تأثیر می‌پذیرد که در همسایگی آن‌ها زندگی می‌کنند. به‌علاوه این خوشه‌بندی را نمی‌توان به‌طور کامل توسط شبکه‌های اجتماعی یا دیگر ویژگی‌های فردی از جمله نژاد، درآمد، تحصیلات یا تعهدات سیاسی توضیح داد. این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که ساختار فضایی مشارکت، با فرایند انتشار^۶ سازگار است که مستقل از مشارکت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد.

درمورد نتایج پژوهش‌های بالا به‌ویژه پژوهش‌های داخل ایران، شاهد تحلیل‌های متناقضی هستیم؛ برای مثال، در پژوهش رضایی و انصاری، غفاری، و کاویانی‌راد به همبستگی مثبت میان میزان توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت اشاره شده است. این درحالی است که نتایج پژوهش گلی و مهکویی بر همبستگی منفی این دو شاخص تأکید دارد. برای تحلیل جامع این نوع مشارکت مردم ایران باید به متغیرهای مداخله‌گری از قبیل قومیت، مذهب، شرایط اقتصادی، تبلیغات رسانه‌ای و شور و هیجان انتخاباتی در کشور توجه کرد. با وجود این می‌توان گفت میزان مشارکت در ایران، متأثر از شاخص‌های نسبی است و از یک الگوی ثابت پیروی نمی‌کند؛ بنابراین، در هر دوره ممکن است بنا به مقتضیات زمان، این نوع مشارکت در نقاط مختلف کشور دچار دگرگونی شود.

1. Strumpf and Philippe
2. Eisenberg and Ketcham
3. Halbrook
4. Clem and Craumer
5. Cho and Rudolph
6. Diffusion Process

روش پژوهش

این پژوهش، اسنادی و توصیفی-تحلیلی است و با تکیه بر داده‌ها و آمارهای اخذشده از وزارت کشور، به بررسی مقایسه‌ای میزان مشارکت استان خراسان جنوبی با میانگین کشوری در یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری می‌پردازد. بدین ترتیب که ابتدا میزان مشارکت مردم استان در ۱۱ دوره بررسی می‌شود و سپس به صورت نمودارهای ترکیبی و جداول، میزان مشارکت استانی و کشوری نمایش داده می‌شود. در نهایت، به طور اختصاصی میزان مشارکت در دهمین و یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک شهرستان‌های استان، با ترسیم نقشه‌های GIS بررسی و تحلیل می‌شود.

بحث و یافته‌ها

مقایسه میزان مشارکت ملی و استانی در انتخابات‌های ریاست جمهوری

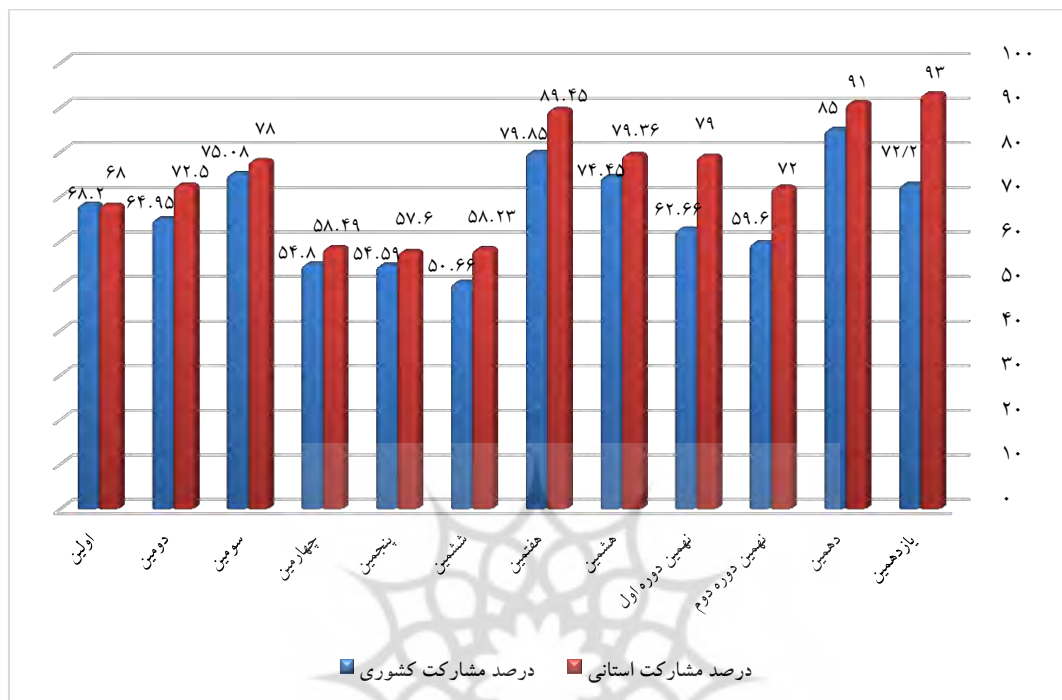
رای‌دهی و مشارکت در انتخابات، آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای بیشتر شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی‌دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند (اوبرت و داوس، ۱۹۸۶: ۲۹۳). از آنجاکه میزان مشارکت شهروندان در انتخابات، یکی از شاخص‌های میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در بسیاری از کشورهاست، حکومت‌ها بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید می‌کنند. حکومتی که بیشترین مشارکت در انتخابات را جلب کند، نه تنها در عرصه داخلی، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز از موضع مقتدرانه برخوردار است (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی و حضور مردم در عرصه سیاسی، زمینه نقش‌آفرینی آن‌ها از طریق انتخابات‌های متعدد فراهم شد. در کشور ما، از ۳۳ انتخابات برگزارشده، ۱۱ انتخابات به ریاست جمهوری تعلق دارد. در هر دوره، متناسب با افزایش جمعیت کشور و رسیدن بخشی از جمعیت کشور به سن قانونی رأی‌دهی، میزان آرا به طور معمول در مقایسه با دوره قبل افزایش می‌یابد. در جدول ۱ میزان مشارکت ملی و استان خراسان جنوبی نشان داده شده است.

جدول ۱. میزان مشارکت ملی و استانی در یازده دوره انتخابات

ردیف	نام انتخابات	تاریخ رأی‌گیری	درصد مشارکت در کشور	آرای اخذشده استان	درصد مشارکت استانی	ریاست
۱	اولین دوره	۱۳۵۸/۱۱/۵	۶۸/۲	۱،۳۶۹،۶۴۰	۶۸	بنی‌صدر
۲	دومین دوره	۱۳۶۰/۰۵/۲	۶۴/۹۵	۱،۵۴۹،۸۶۸	۷۲/۵	رجایی
۳	سومین دوره	۱۳۶۱/۰۷/۱۰	۷۵/۰۸	۱،۶۶۸،۱۶۸	۷۸	آیت‌الله خامنه‌ای
۴	چهارمین دوره	۱۳۶۴/۰۵/۲۵	۵۴/۹	۱،۴۹۰،۵۰۰	۵۸/۴۹	آیت‌الله خامنه‌ای
۵	پنجمین دوره	۱۳۶۸/۰۵/۶	۵۴/۵۹	۱،۶۵۷،۹۴۹	۵۷/۶	آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
۶	ششمین دوره	۱۳۷۲/۰۳/۲۱	۵۰/۶۶	۱،۷۵۴،۶۲۴	۵۸/۲۳	آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
۷	هفتمین دوره	۱۳۷۶/۰۳/۰۲	۷۹/۸۵	۲،۹۳۶،۳۶۷	۸۹/۴۵	خاتمی
۸	هشتمین دوره	۱۳۸۰/۰۳/۱۸	۷۴/۴۵	۳،۱۲۴،۸۲۶	۷۹/۳۶	خاتمی
انتخابات برگزارشده در استان خراسان جنوبی پس از تشکیل استان						
۹	مرحله اول نهمین دوره	۱۳۸۴/۰۳/۲۷	۶۲/۶۶	۲۹۰،۸۷۹	۷۹	احمدی‌نژاد- آیت‌الله هاشمی
۱۰	مرحله دوم نهمین دوره	۱۳۸۴/۰۴/۰۳	۵۹/۶	۲۶۶،۰۴۰	۷۲	احمدی‌نژاد
۱۱	دهمین دوره	۱۳۸۸/۰۳/۲۲	۸۵	۳۸۳،۱۵۷	۹۱	احمدی‌نژاد
۱۲	یازدهمین دوره	۱۳۹۲/۰۳/۲۴	۷۲/۷	۴۳۸،۶۸۶	۹۲	روحانی

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، استان خراسان جنوبی به‌ویژه بعد از تقسیمات جدید کشور، یکی از پرمشارکت‌ترین استان‌ها طی دوره‌های انتخابات است. یکی از نکات مهم، افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی مشارکت مردم بعد از هفتمین دوره ریاست جمهوری است که این مشارکت بالا در استان خراسان جنوبی نمودی بیشتر از سطح ملی دارد.



نمودار ۱. مقایسه میزان مشارکت کشوری و استانی در انتخابات ریاست جمهوری

منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

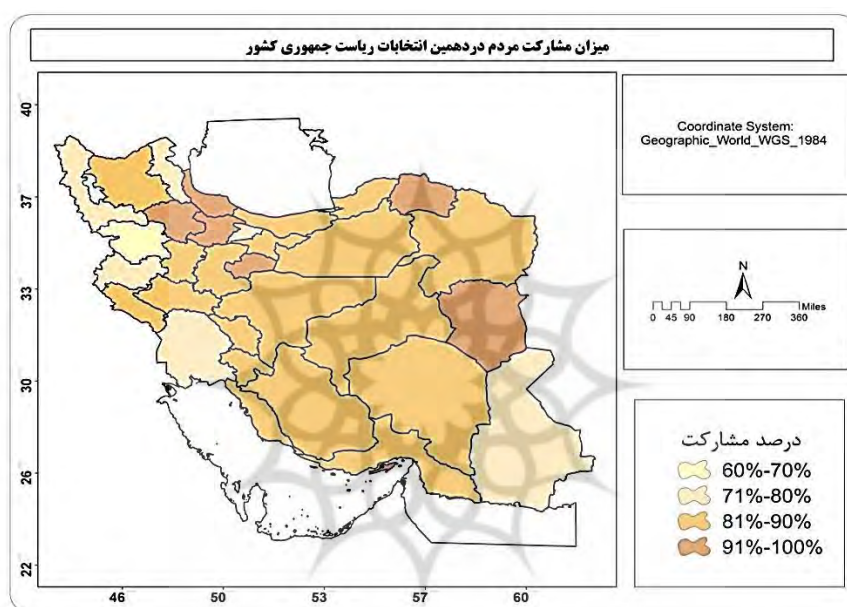
با توجه به نمودار ۱ می‌توان گفت در یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری، استان خراسان جنوبی، مشارکت بالاتر از میانگین کشوری داشته است. بیشترین مشارکت در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ۹۳ درصد بوده است. از سوی دیگر، علت کاهش مشارکت در دوره دوم نهمین انتخابات ریاست جمهوری در مقایسه با دوره اول، وجود تنها دو کاندیدا در عرصه رقابت است. درصد مشارکت مردم استان در بیشتر انتخابات‌ها بالای ۸۰ درصد بوده است و این نشانگر حساسیت مردم به سرنوشت خود و کشورشان است. بنابر آمارهای استانداری خراسان جنوبی، میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری، بیشتر از سه نوع انتخابات دیگر است. با این تحلیل می‌توان به این مسئله اشاره کرد که مردم نقش رئیس‌جمهور را در سرنوشت کشور، بیشتر از نمایندگان مجلس، شورای شهر و روستا و خبرگان می‌دانند. در نتیجه، در این نوع انتخابات، بیشتر مشارکت می‌کنند.

وضعیت مشارکت در شهرستان‌های استان در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

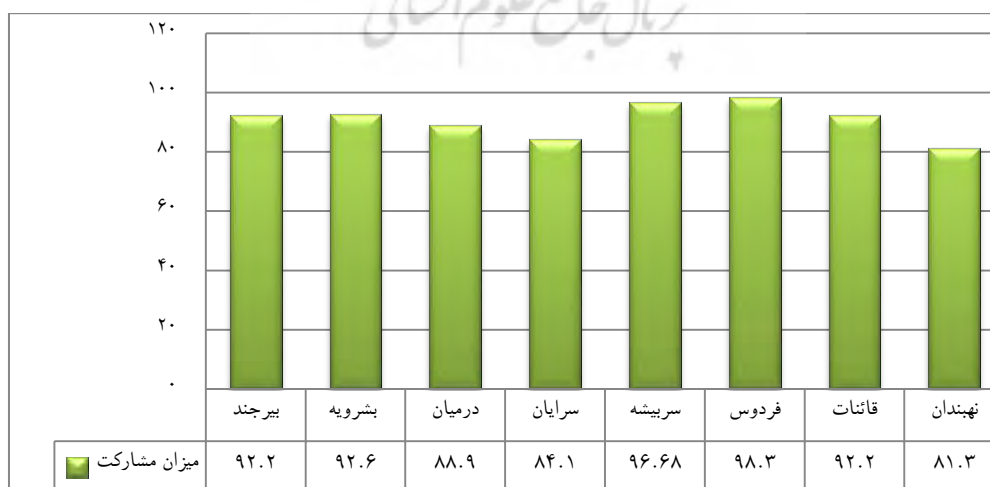
دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد. در این انتخابات، هفتمین رئیس‌جمهور کشور برای دوره‌ای چهارساله برگزیده شد. مناسبات قدرت، رویکرد احزاب و جریان‌های سیاسی، موقعیت بین‌المللی، نگرش گروه‌های مرجع، سفرهای استانی رئیس‌جمهور مستقر محمود احمدی‌نژاد، برآمدن رقبای جدی، نگاه نقادانه رقبا، نقش گروه‌های نفوذ، ناکارآمدی جستار زادشهری، مشارکت ۸۵ درصدی و... در رقم خوردن نتیجه انتخابات مؤثر بودند (عبدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۸). از میان کاندیداهای انتخابات، در نهایت شورای نگهبان صلاحیت چهار نفر یعنی محمود

احمدی‌نژاد، محسن رضایی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی را تأیید کرد. برپایه برآوردها، بیش از ۴۶ میلیون نفر واجد شرایط رأی‌دهی اعلام شدند که از آن میان، نزدیک به ۴۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند (کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در این دوره، محمود احمدی‌نژاد و محسن رضایی از جناح اصول‌گرا و میرحسین موسوی و مهدی کروبی از جناح اصلاح‌طلب نامزد شده بودند که درنهایت، محمود احمدی‌نژاد با ۲۴،۵۲۷،۵۱۶ رأی (۶۳ درصد آرا) به‌عنوان رئیس‌جمهور معرفی شد (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۷). همان‌طور که در نقشه ۱ مشاهده می‌شود، در این انتخابات، استان‌های خراسان جنوبی و شمالی، گیلان، قزوین، قم و زنجان، مشارکت بالای ۹۰ درصدی داشتند. استان کردستان نیز با ۶۴ درصد، کمترین مشارکت را در کشور داشت.

استان خراسان جنوبی در این دوره بیشترین مشارکت را رقم زده است. در نمودار ۲ میزان مشارکت استان به تفکیک شهرستان مشاهده می‌شود.

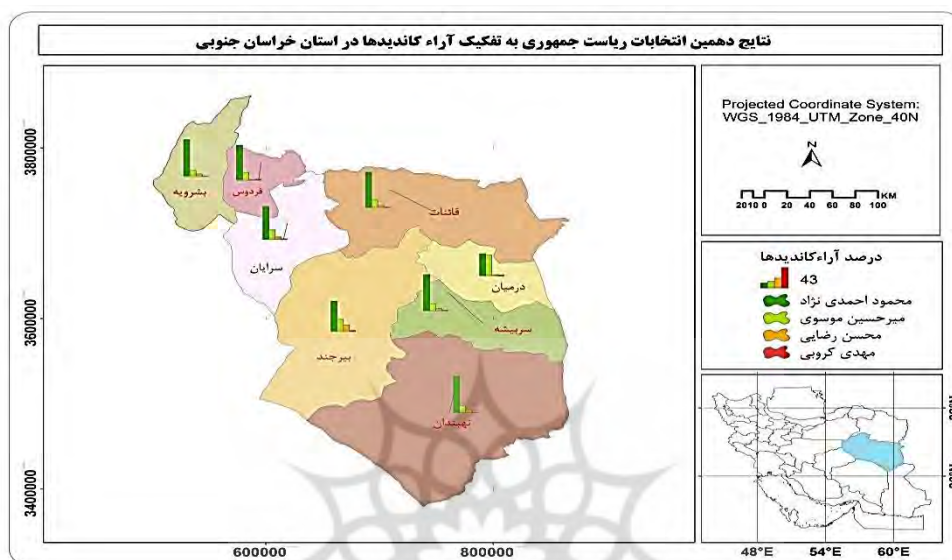


نقشه ۱. میزان مشارکت مردم در دهمین انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان
منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان



نمودار ۲. میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک شهرستان (دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری)
منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

با توجه به نمودار ۲ می‌توان گفت یکی از بالاترین مشارکت‌ها طی یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان، دوره دهم با ۹۰/۷۸ درصد مشارکت بوده است. شهرستان فردوس، در مقایسه با سایر شهرستان‌ها با ۹۸/۳ درصد بیشترین مشارکت را دارد. این امر نشانگر توجه ویژه مردم این شهر به سرنوشت خود و کشورشان است. شهرستان نهبندان نیز با مشارکت ۸۱/۳ درصدی، در مقایسه با سایر شهرستان‌ها کمترین مشارکت را داشته است که می‌توان مرزی بودن و پایین‌ترین درجه توسعه یافتگی نسبت به سایر شهرستان‌های استان را از علل مشارکت کمتر یاد کرد.



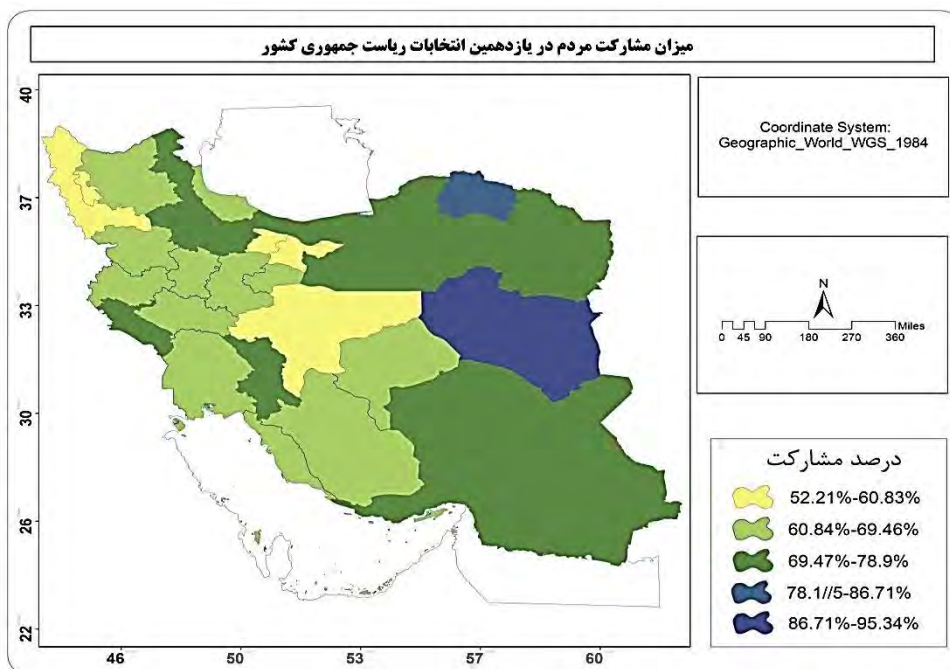
نقشه ۲. نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک آرای نامزدها

منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

همان‌طور که در نقشه ۲ مشاهده می‌شود، در تحلیل پراکنش فضایی آرای کاندیدها در سطح شهرستان‌ها می‌توان گفت که محمود احمدی‌نژاد بیشترین آرا را در همه شهرستان‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که شهرستان بشرویه با ۸۵ درصد، بیشترین فراوانی و شهرستان درمیان با ۵۱ درصد کمترین رأی را به این کاندیدا داشته‌اند. از سوی مهدی کرویی، در استان کمترین رأی با ۰/۰۰۲ درصد آرا حتی در مقایسه با کشور را داشته است. در ضمن می‌توان به این نکته اشاره کرد که همان‌طور که میرحسین موسوی در استان‌های مرزی اهل سنت مانند سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و کردستان بالاترین رأی را داشته است (زرقانی و رضوی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۷)، در شهرستان مرزی اهل سنت درمیان، حدود پنجاه درصد کل آرا را به خود اختصاص داده است.

وضعیت مشارکت در شهرستان‌های استان در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

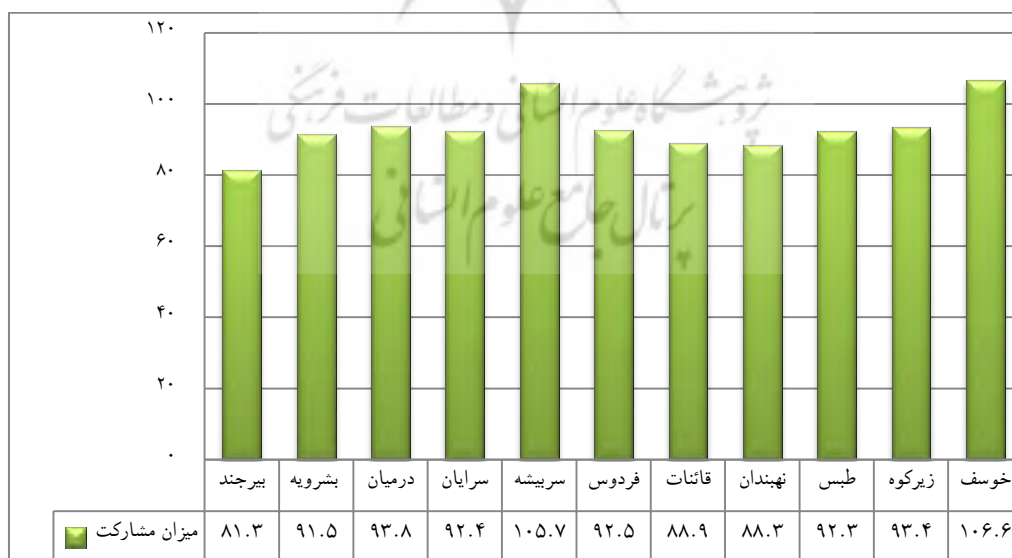
بر اساس آمارهای رسمی، مجموع واجدان شرایط شرکت در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ۵۰،۴۸۳،۱۹۲ نفر بوده است که از این تعداد ۷۳/۲ درصد (۳۶،۹۳۸،۶۵۱ نفر) در انتخابات شرکت کردند. میزان مشارکت در میان استان‌ها متنوع است و از حداقل ۵۲ درصد در استان تهران تا ۹۳ درصد در استان خراسان جنوبی در نوسان است (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۳).



نقشه ۳. میزان مشارکت در یازدهمین دوره ریاست جمهوری به تفکیک استان

منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

همان گونه که در نقشه ۳ مشاهده می شود، استان خراسان جنوبی بیشترین مشارکت در این انتخابات را در همه کشور به خود اختصاص داده است. فقط این استان است که مشارکت بالای ۹۰ درصد را داشته است. در مقابل، استان های آذربایجان غربی، کردستان، اصفهان و تهران، در این انتخابات زیر ۶۰ درصد مشارکت داشته اند. در نمودار ۳ به میزان مشارکت مردم استان خراسان جنوبی به تفکیک شهرستان اشاره شده است.



نمودار ۳. میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک شهرستان (یازدهمین دوره ریاست جمهوری)

منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

همان طور که در نمودار ۳ مشاهده می شود، به طور کلی میزان مشارکت شهرستان های استان در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بسیار بالاست. در این میان، شهرهای سربیشه و خوسف بیشترین مشارکت و بیرجند کمترین

مشارکت را در میان شهرهای استان داشته‌اند. مهم‌ترین دلایلی که سبب شده است در دو شهرستان سریشه و خوسف، میزان مشارکت بالای صددرد باشد، به شرح زیر است:

* در شهرستان سریشه، به‌علت وجود پاسگاه‌ها و پادگان‌های متعدد مرزی و استقرار بازارچه مرزی ماهیرو، تعداد زیادی از کارکنان و افراد مشغول به کار در این مراکز اداری، بومی نیستند. به همین منظور، تعداد آرای اخذشده از تعداد واجدان شرایط بیشتر است که به مشارکت بالای صددرد کمک می‌کند.

* در شهرستان خوسف، به‌علت وجود پادگان آموزشی امام رضا (ع) جمعیت زیادی از نیروهای آموزشی (سربازان وظیفه) این پادگان که جزء جمعیت متغیر شهرستان بوده‌اند، در انتخابات شرکت کرده‌اند.

علی‌رغم اینکه میزان مشارکت در همه شهرستان‌های استان قابل قبول بوده است، می‌توان گفت این مشارکت بالا در سایر شهرستان‌ها به جز بیرجند نمود زیادی داشته است. دلایلی که می‌توان برای این مسئله برشمرد، به شرح زیر است:

❖ حساسیت مردم این منطقه به سرنوشت کشور؛

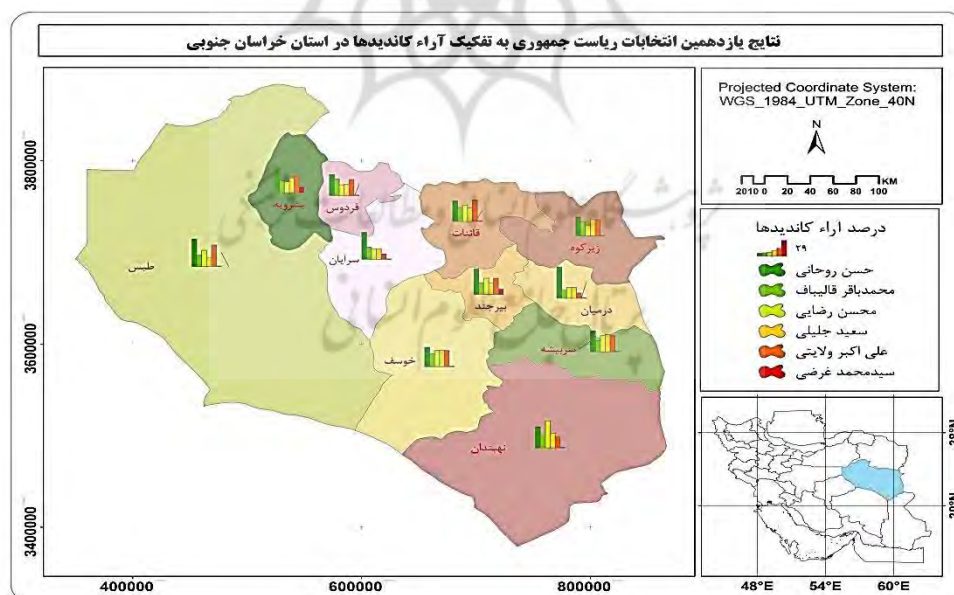
❖ کاهش توقعات مردم در مقایسه با مردم کلان‌شهرها مانند تهران؛

❖ محرومیت شهرستان‌های استان که سبب شده است مردم مشارکت در انتخابات را مجرای برای تغییر وضعیت موجود بدانند؛

❖ تقید دینی و ولایی آن‌ها مبنی بر اینکه شرکت در انتخابات یک تکلیف الهی است و در راستای تحقق بخشیدن به منویات ولی امر است؛

❖ دوربودن از تبلیغات ماهواره‌ای دشمنان نظام جمهوری اسلامی و قرارگرفتن در یک فضای نسبتاً آرام؛

❖ نقش تبلیغات رسانه‌ای داخلی در شور و هیجان انتخاباتی.



نقشه ۴. نتایج یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک آرای نامزدها در استان

منبع: وزارت کشور، ترسیم از نگارندگان

نتایج انتخابات در یک مکان، تا حد زیادی بستگی به شرایط حاکم در مرزهای سیاسی یک کشور دارد، از جمله اینکه وضعیت اقتصادی، فرهنگی و دیگر عوامل ترکیبی که رأی‌دهندگان با آن مواجهند، چگونه است. با تمرکز بر محدودیت‌های فیزیکی و ساخت دست انسان از فضا، توضیحات جغرافیایی ممکن است تنها بخشی، از نرخ‌های مشارکت

رأی‌دهندگان را توجیه کند (اگنیو، ۱۹۹۶: ۱). همان‌گونه که در نقشه ۴ مشاهده می‌شود، رقابت نامزدهای انتخاباتی، در مقایسه با دوره دهم به هم نزدیک بوده است. در این دوره انتخاباتی، استان‌های مرزی اهل سنت سیستان و بلوچستان و کردستان، با بیش از ۷۰ درصد آراء، بیشترین حمایت را از کاندیدای منتخب داشته‌اند (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۳). در استان خراسان جنوبی به تبع همین امر، حسن روحانی در شهرستان مرزی اهل سنت درمیان، با ۵۸ درصد آراء، بالاترین رأی را در استان داشته است. پس از روحانی، در استان رقابت بیشتر بین کاندیداهای اصول‌گرا، یعنی جلیلی و قالیباف بوده است که هر یک در استان، ۲۰ تا ۳۰ درصد آراء را داشته‌اند. در مورد آراء رضایی و ولایتی می‌توان گفت هیچ‌یک بیش از ۵ درصد آراء را در شهرستان‌ها نداشته‌اند. در ضمن، کمتر از ۱/۵ درصد از مردم استان به محمد غرضی رأی داده‌اند؛ همان‌طور که میانگین کشوری رأی ایشان هم حکایت از این مسئله دارد.

نتیجه‌گیری

آشکارترین حلقه پیوند مشارکت و مشروعیت، برگزاری انتخابات است. این مقوله به‌عنوان یک رفتار سیاسی، نشانگر مرتبه‌ای از مشارکت سیاسی است که هر فردی براساس فهم سیاسی خود در محیط جغرافیایی، به‌منظور حمایت، اصلاح و تغییر در آن شرکت می‌کند و بخشی از اراده مردم را در اداره امور به حکومت واگذار می‌کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور بیش‌ازپیش فراهم شد. در این پژوهش، این نتیجه به‌دست آمد که بیشتر استان‌هایی که همواره در مطالعات جغرافیای سیاسی ایران از آن‌ها به‌عنوان سرزمین‌های توسعه‌نیافته، منزوی و واگرا نام برده می‌شود، در انتخابات‌های اخیر مشارکت مشهودی داشته‌اند. مشارکت در این نوع انتخابات در ایران و به تبع آن در استان خراسان جنوبی، درصد بالایی دارد. این مسئله نشانگر اعتماد مردم به سیستم حاکمیت و امید به بهتر شدن اوضاع کشور در ابعاد مختلف است. با وجود اینکه میانگین درصد میزان مشارکت کشوری در دوره یازدهم، در مقایسه با دوره دهم ریاست‌جمهوری کاهش ۱۲ درصدی را به‌همراه داشته است. مشارکت سیاسی مردم استان، در سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، روند صعودی آشکاری را نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که از مشارکت ۷۵/۵ درصدی در انتخابات سال ۱۳۸۴، به مشارکت ۹۳ درصدی در انتخابات سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. در ضمن، مطابق بررسی‌ها، در دوره دهم محمود احمدی‌نژاد با ۷۷ درصد کل آراء و در یازدهمین دوره، حسن روحانی با ۴۴/۵ درصد کل آراء، در استان خراسان جنوبی انتخاب شدند. در پایان می‌توان اذعان کرد الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان، به تبع کشور برگرفته از دیدگاه‌های سنتی گذشته مانند ارزش‌های ایدئولوژیک، حس مکانی و منطقه‌ای و قوم‌گرایی است. از سویی این مشارکت بالا بیانگر نقش فعال تبلیغات رسانه‌ای و به‌ویژه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شور و هیجان انتخاباتی در میان مردم است، اما تنها در کلان‌شهرهاست که آراء سیاسی مشاهده می‌شود. کاهش میزان مشارکت مردم بیرجند - که فرهنگ کلان‌شهری در آن اندکی رواج پیدا کرده است - در مقایسه با سایر شهرستان‌ها گواهی بر این ادعاست.

منابع

۱. پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۰، *سیمای جغرافیایی انتخابات پارلمانی استان همدان، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره چهل‌وهشتم، شماره ۱۶۰، صص ۱۵۱-۱۷۳.
۲. پیشگاهی فرد، زهرا و حیدر لطفی، ۱۳۸۳، *تحلیلی بر مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، مطالعه موردی: سمنان*، فصلنامه سرزمین، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۹۴-۱۱۵.
۳. پیشگاهی فرد، زهرا و محمدجواد شوشتری، ۱۳۸۷، *مبانی جغرافیایی خاستگاه آراء مردم در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی*، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۰.

۴. پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۷، **سیمای جغرافیای انتخابات پارلمانی استان همدان**، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره چهل و هفتم، شماره ۱۵۹، صص ۸۶-۱۱۴.
۵. تیموری، عباد، اکبری، نعمت‌الله و سعید نادی، ۱۳۹۴، **تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲**. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۳، صص ۲۴۵-۲۸۴.
۶. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۳، **جغرافیای سیاسی ایران**، سمت، تهران.
۷. حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد، ۱۳۸۸، **افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی**، سمت، تهران.
۸. زارعی، بهادر و زهرا انصاری، ۱۳۹۳، **بررسی تطبیقی میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری تهران در مقایسه با کشور، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران**، سال دوازدهم، شماره ۴۱، صص ۴۳-۶۲.
۹. زرکانی، سیدهادی و سیدمرتضی رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲، **تحلیل نقش متغیر همسایگی در الگوی رأی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره هفدهم، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۸۲.
۱۰. سیدامامی، کاووس و عبدالمطلب عبدالله، ۱۳۸۸، **عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مطالعه موردی: شهر تهران**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۴۶.
۱۱. عبدی، عطالله، رحیمی، رضا و محمد عیوضی، ۱۳۹۳، **تبیین رویکردهای قومیتی در شعارهای انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره ۳، صص ۹۵-۱۲۱.
۱۲. غفاری، مسعود و بهروز زرین‌کاویانی، ۱۳۹۰، **بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶-۱۳۸۴**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱، صص ۸۸-۱۱۰.
۱۳. کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۹۳، **پراکنش فضایی مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری**، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۷، شماره ۶۳، صص ۳۷-۶۲.
۱۴. گلی، علی و حجت مهکویی، ۱۳۹۳، **الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری**، مطالعه موردی: دوره یازدهم ریاست جمهوری، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۱۳.
۱۵. لازارسفلد، یل و برنارد برلسون، ۱۳۸۲، **چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند**، ترجمه محمدرضا رستمی، نشر تبلور، تهران.
۱۶. مظفری، مهرداد، ۱۳۸۷، **بررسی رفتار انتخاباتی مردم بر انتخاب نمایندگان در شهرستان ایلام**، (سایت خبری ایلام امروز).
<https://www.ilamtoday.com/article/article.asp?n=166>
۱۷. مقصودی، مجتبی، ۱۳۸۵، **مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران**، بررسی موردی: انتخابات ریاست جمهوری، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۱.
18. Pishgahifard, Z., 2001, **Geographic Features of Parliamentary Elections Hamedan Province**, Journal of Literature and Human Sciences Faculty of Tehran University, Vol. 48, No. 160, PP. 151-173. (In Persian)
19. Pishgahifard, Z. and Lotfi, H., 2004, **Analysis of the Participation in Iran's Presidential Election, Case Study: Semnan**, Quarterly of Land, Issue 15, PP. 94-115. (In Persian)
20. Pishgahifard, Z. and Shoushtari, M. J., 2008, **Geographical Bases of the Eighth Edition of the Source Popular Vote in Parliamentary Elections**, Geopolitics Quarterly, Issue 2, PP. 109-130. (In Persian)
21. Pishgahifard, Z., 2008, **Geographic Features of Parliamentary Elections of Hamedan Province**, Journal of Literature and Human Sciences Faculty of Tehran University, Vol. 47, No. 159, PP. 86-114. (In Persian)
22. Teymouri, E., Akbari, N. and Nadi, S., 2015, **Analysis of Factors Affecting Voter Turnout in Iran's Presidential Election 2013**, Quarterly Parliament and Strategy, Vol. 22, No. 83, PP. 245-284. (In Persian)
23. Hafeznia, M. R., 2004, **Political Geography of Iran**, Samt, Tehran. (In Persian)

24. Hafeznia, M. R. and Kavyani Rad, M., 2009, **New Horizons in Political Geography**, Samt, Tehran. *(In Persian)*
25. Zarei, B. and Ansari, Z., 2014, **The Comparative Study of Participation In the Presidential Election, Tehran, Compared with the Whole Country**, Journal of Geographic Society of Iran, Vol. 12, No. 41, PP. 43-62. *(In Persian)*
26. Zarghani, S. H. and Razavinejad S. M., 2013, **Analyzing the Role of Neighborhood Variables in the Voting Pattern in Tenth Presidential Candidates**. Madras Human Sciences Quarterly, Vol. 17, No. 3, PP. 165-182. *(In Persian)*
27. Seyed-Imami, K. and Abdullah, A., 2009, **Factors Influencing Participation of Citizens in the Presidential and Parliamentary Elections, Case Study: Tehran**, Journal of Political Science, Vol. 4, No. 4, PP. 109-146. *(In Persian)*
28. Abdi, A., Rahimi, R. and Ayuzi, M., 2014, **Expounding Ethnic Approaches in the Electoral Slogans of the Presidential Candidates**, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 10, No. 3, PP. 95-121. *(In Persian)*
29. Ghaffari, M. and Zarrin Kaviani, B., 2009, **The Study of Trend of the Contribution of Kurdistan Province Citizens in the Presidential Elections from 1997 to 2005**, Vol. 7, No. 1, PP. 88-110. *(In Persian)*
30. Kavyani Rad, M., 2014, **Spatial Distribution Partnership in the Eleventh Presidential Election**, Vol. 17, No. 63, PP. 37-62. *(In Persian)*
31. Goli, A. and Mahkoei, H., 2014, **Spatial Patterns of Participation in Presidential Elections, Case study: The Eleventh Presidential Election**, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 10, No. 2, PP. 189-213. *(In Persian)*
32. Lazarsfeld, P. and Burtleson, B., 2003, **How Do People Decide for Presidential Election**, Translated by: Rostami, M. R., Tabalvor Publications, Tehran. *(In Persian)*
33. Mozaffari, M., 2008, **The Electoral Behavior of Elected Representatives of the People in the City of Ilam**, <https://www.ilamtoday.com/article/article.asp?n=166>. *(In Persian)*.
34. Maghsoudi, M., 2006, **Electoral Participation of Ethnic Groups in Iran (Case Study: the Presidential Election)**, National Studies Quarterly, Vol. 7, No. 4, PP. 83-111. *(In Persian)*
35. Agnew, J., 1996, **Mapping Politics: How Context Counts in Electoral Geography**, Political Geography, Vol. 15, No. 2, PP. 1-28.
36. Cho, W.K.T. and Rudolph. T., 2005, **Untangling the Spatil Structure of Political Participation**, Working Paper, University of Illinois, Urban- Chmpaign, Department of Political Science.
37. Clem, R.S. and Craumer, P.R., 1998, **Regional Patterns of Voter Turnout in Russian Elections, 1993-1996**, The National Council for Eurasian and East European Research, Florida International University.
38. Dowse, E. R. and Hughes , A. J., 1974, **Political Sociology**, Vol. 7, No. 2, Wiley, London.
39. Green, D. P. and Shapiro, I., 1994, **Pathologies of Rational Choice: A Critiqu of Applications in Political Science**, Yale University Press, New Hawen.
40. Holbrook, T. M., 1991, **President Elections in Space and Time**, American Journal of Political Science, Vol. 35, No. 1, PP. 241-268.
41. Horn, M., 1999, **GIS and the Geography of Polity**, Routledge, New York.
42. Ketcham, J. and Eisenberg, D., 2004, **Economic Voting in US Presidential Elections: Who Blames Whom for What**, Topics in Economi Analysis and Policy, Vol. 4, No. 1, PP. 134-174.
43. Olson, E. C., 2005, **Political Participation**, It s Available at: <http://www.Angelo.edu/dept/Government/onlin%20lecture.html>
44. Robert, E., Dowse, J. and Hughes, A., 1986, **Political Sociology**, John Wiley & Sons, New York.

45. Robertson, D., 1993, **A Dictionary of Modern Politics**, 2nd Edition, Europa Publication Limited, London.
46. Strumpf, K. S. and Phillippe, J. R., 1999, **Estimating President Elections: The Importance of State Fixed Effects and the Role of National Versus Local information**, Economics and Politics, Vol. 11, No. 1, PP. 241-256.
47. Uhlaner, C. j., 2004, **Participation: Political International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences**, P. 11078-11082.
48. Wall, D. L. and Lehoucq, F. E., 1997, **Social and Spatial Correlates of Turnout in Guatemala: The 1985 Elections**, Conference of Latin Americanist Geographers Yearbook, Vol. 23, D. Robinson (Ed.), University of Texas Press, Austin.

